



خانم پرستار

عفت زینلی تصویرگر: زهرا مروستی

مامان به زیبایی
با شیوهای مخصوص
هر روز می‌جنگد
با میکروب و ویروس
در دست او گاهی
تب‌سنج یا داروست
با خستگی قهر است
با مهربانی، دوست

کارش فراوان است
وقتی سرکار است
حتی زمانی که
روز پرستار است

مریم هاشم‌پور

شهر خوشگلم

به به چه بارانی!
گل‌ها چه شادابند
دود از هوا رفته
جوها پُر از آبند

هرچند در باران
کفشم پُر از گل شد
گفتم خدا را شکر
شهرم چه خوشگل شد!

قطره قطره جمع گردد، وانگهی دریا شود:

قطره قطره

منیره هاشمی

رفت با سر توی قلک
سکه‌ی عیدی بابا
مثل عیدی‌های قبلی
این یکی هم رفت آنجا

اولش یک دانه سکه
توی قلک جان من بود
بعد از آن یک دانه دیگر
رفت توی قلکم زود

باز بابا جمله‌ای گفت
حفظم آن ضرب‌المثل را
قطره قطره جمع گردد
می‌شود یک روز دریا

